

چهارشنبه ۴ مهر ۱۳۹۷
۱۶ مهر ۱۴۰۰
۱۶ سالگی و یکم
شماره ۰۰۸۷۰
ZENDEGI@QUIDSONLINE.IR



گفت‌وگویی تفصیلی با «سعید بیابانکی» در روز تولد ۵۰ سالگی‌اش

مردی از «خمینی شهر» پایتخت شعر

مدریج پس از کسب عنوان بهترین بازیکن جهان:

این جایزه را با جام جهانی عوض می‌کنم



طراح سیاست‌های حزب بعث عراق را بیشتر بشناسید

دروغگوی مادر زاد



گفت و گو با مریم نوابی نژاد، طراح و کارگردان برنامه «هزارداستان»

قصه مردم تا ابد ادامه دارد

خط قرمز

حوادث ایران

سربازی که جانش را داد تا منابع طبیعی نابود نشود



جام جم: جانشین انتظامی استان ایلام دربارہ جان باختن سرباز وظیفه شناس «میلا سقای» برای حفاظت از عرصه‌های منابع طبیعی توضیحاتی ارائه کرد. سرتیپ حسن کاظمی گفت: در پی آتش‌سوزی بخش‌هایی از مراتع و جنگل‌های دامنه کوه «شیره‌زول» ایلام در حجم وسیع، بلافاصله مأموران انتظامی بخش چوار به اتفاق نیروهای منابع طبیعی، امدادی و مردمی برای مهار آتش وارد عمل شدند که در هنگام اطفای حریق با توجه به وزش باد و شدت آتش‌سوزی، این سرباز وظیفه‌شناس در کمال ایثار و از خودگذشتگی برای نجات جنگل از شعله‌های آتش، جان خود را فدا کرد. وی با ابراز تأسفق از این حادثه دلخراش، از ابراز احساسات و همدردی صمیمانه اهالی روستای «ابزا» از توابع بخش چوار و مسئولان محلی بخش مذکور تشکر و قدر دانی کرد. پیکر این سرباز فداکار با حضور مردم و همزمان تشییع شد.

دستگیری «گوشی قاپ» با ۳۰ فقره سرقت

میزان: رئیس پلیس پیشگیری تهران بزرگ از دستگیری یک سارق سابقه‌دار در پایتخت خبر داد. سرهنگ کیوان ظهیری اظهار داشت: مأموران کلانتری ۱۰۶ نامجو وقتی در جریان سرقت از زن میانسال در یکی از خیابان‌های محدوده حوزه استحفاظی این کلانتری قرار گرفتند بلافاصله دست به کار شده و تحقیقات گسترده‌ای را برای دستگیری متهمان آغاز کردند. وی افزود: در همان مراحل ابتدایی تحقیقات مأموران موفق شدند با استفاده از تصاویر دوربین مداربسته و اقدامات اطلاعاتی، سارق ۳۰ ساله را که با یک دستگاه موتورسیکلت دست به سرقت از زن میانسال زده بود و در جریان سرقت مالباخته را نیز بشدت مجروح کرده بود، شناسایی و دستگیر کنند. سرهنگ ظهیری ادامه داد: پس از دستگیری سارق حرفه‌ای او به ۳۰ فقره سرقت در نعمت‌آباد، فلاح، نواب و شهرک ولی عصر اعتراف کرد.

وکیل قلابی متهم پرونده کلاهبرداری میلیاردی شد

خط قرمز: رئیس پلیس تأیید گفت: فردی که با دادن وعده‌های دروغین، بیش از یک میلیارد ریال کلاهبرداری کرده بود، دستگیر شد. سرهنگ علی اکبر قربانی افزود: در پی دریافت گزارش کلاهبرداری یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون ریالی از یک شهروند، بررسی موضوع در دستور کار پلیس آگاهی تأیید قرار گرفت. مأموران انتظامی به طور نامحسوس این فرد را تحت نظر قرار دادند که بررسی‌های اولیه آنان نشان می‌داد او با معرفی خود به عنوان وکیل و دادن وعده‌های دروغین، از شهروندان دارای پرونده قضایی میبانی بابت وکالت اخذی و کلاهبرداری می‌کند. وی اظهار داشت: پلیس با بررسی و تحقیقات پرونده یکی از شهروندان که معلم متهم پرونده قرار گرفته بود، دریافت این وکیل قلابی با جعل عنوان، از موکل خود طی چهار فقره چک یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون ریال دریافت کرده است. کارآگاهان سپس مخفیگاه متهم را شناسایی و با هماهنگی قضایی او را دستگیر کردند.

با پیگیری‌های دادستانی و همراهی یک واحد تولیدی صورت گرفت

تولید رب ۹۸۰۰ تومانی برای شکسته شدن قیمت‌ها



معادن و تجارت استان و تولید کنندگان رب در مشهد برگزار کردیم. هدف از این جلسات هم چاره‌اندیشی برای شکستن افزایش قیمت‌ها و پایین آمدن قیمت نهایی هر قوطی رب بود. پس از انجام جلسات مذکور مدیران شرکت رب زشک در اقدامی قابل قدر دانی اعلام کردند حاضر هستند رب قوطی ۸۰۰ گرمی را با قیمت ۹۸۰۰ تومان تولید و در فروشگاه‌های معتبر عرضه نمایند. این مقام قضایی ادامه داد: بر همین اساس بنده به شخصه برای بررسی موضوع، روز گذشته در واحد تولیدی زشک حاضر شده و مشخص شد که رب‌های ۸۰۰ گرمی با قیمت مذکور تولید و بسته‌بندی شده است. بر همین اساس هم شهروندان از امروز می‌توانند با مراجعه به فروشگاه‌های فرهنگیان، اتکار، فاه و بازار روز شهرداری محصول مذکور را با قیمت اعلام شده خریداری نمایند. وی در پایان تصریح کرد: امیدواریم همراهی خوب این برند باعث شود تا دیگر واحدهای تولیدی مواد غذایی برای شکسته شدن حباب‌های قیمتی با دستگاه‌های اجرایی همراه شوند.

سربست دادسرای انقلاب یکی از واحدهای تولید رب در مشهد در همراهی قابل تقدیر رب ۸۰۰ گرمی را زیر ۱۰ هزار تومان تولید و قصد عرضه آن را در بازار دارد. از همین رو با سربست دادسرای انقلاب مشهد تماس گرفتیم که وی در این رابطه به قدس گفت: پس از آنکه با افزایش قیمت رب در شهر مواجه شدیم به جهت آنکه این محصول در سبد مصرفی خانواده‌ها جایگاه مهمی برخوردار است، جلسات متعددی با کارشناسان معاونت بازرسی سازمان صنعت،

اواخر شهریور ماه با قیمت مصوب و یا با قیمت زمان واردات بین مردم توزیع شد. اما تلاش دستگاه قضایی که با نظارت مستقیم دادستان مشهد و سربست دادسرای انقلاب مشهد صورت می‌گرفت به همین جا ختم شد و با مشاهده افزایش قیمت رب قوطی که یک باره از زیر ۱۰ هزار تومان به بیش از ۱۵ هزار تومان افزایش قیمت پیدا کرد، موضوع در دستور کار قرار گرفت تا به افزایش قیمت‌های بی‌حساب و کتاب مقابله شود. از همین رو آن‌ها هرگز تعبیر نشد و برخی از اقلام مذکور

قتل بخاطر یک رایانه!

نکرد. برای همین از همسایه‌ها کمک گرفتیم و وارد خانه شدم. به محض ورود به خانه با جسد دخترم داخل پذیرایی مواجه شدم. با این حال او را به بیمارستان منتقل کردیم و آنجا هم مرگ دخترم را تأیید کردند. او ادامه داد زمانی که من و همسرم خانه نبودیم، کسی وارد شده و دخترم را به قتل رسانده است. در ادامه اظهارات ضد و نقیض پدر دختر سبب شد تا او به دستور بازپرس پرونده بازداشت شود. کارآگاهان در بازرسی از خانه هیچ اثری از ورود فردی غریبه را مشاهده نکردند. از سوی دیگر سرفتی نیز از خانه رخ نداده بود و تمام این‌ها حکایت از آن داشت که جنایت خانوادگی است. بدین ترتیب از پدر و مادر سارا به عنوان تنها مظنونان این جنایت تحقیق شد. از آنجا که سارا بی‌بی‌اشیتیم داشت و مادرش نیز بارها نزد همسایه‌ها اعلام کرده بود که از وضعیت دخترش خسته شده و درمان او بی‌فایده است، احتمال داشت که او نیز در این جنایت دست داشته باشد. تحقیقات از مادر و پدر مقتول ادامه داشت تا این که مرد جوان پس از ۷ روز به قتل دخترش اعتراف کرد. پدر سارا گفت: ساعت ۸:۳۰ دقیقه روز حادثه به خانه آمدم. رنگ در را به صدا در آوردم و سارا در را برایم باز کرد. شبکاز بومد و حوصله نداشتم، اما سارا به محض ورود شروع به جرح و بحث با من کرد. سارا از مدت‌ها قبل به من گفته بود برایش رایانه دستی بخرم، اما به او گفتم که پول خرید

این زمینه آغاز شد. سردار کریمی افزود: در همین راستا از شاکیان پرونده آغاز شد. فرمانده انتظامی خراسان رضوی خاطر نشان کرد: کارآگاهان در این عملیات با اقدام‌های اطلاعاتی، متهم پرونده را در مشهد دستگیر کردند. همچنین از ناحیه متهم یک خودروی شاسی بلند دارای سابقه توقیف در شهرستان تنکابن و بیش از یکصد روزنامه‌های کنترالانتشار اقدام به کلاهبرداری می‌کند و در این رابطه ۱۰۰ شاکی پرونده شناسایی شدند و به دنبال آن با دستورات مقام قضایی تحقیقات پلیسی

حوادث جهان

سرگردانی ۴۹ روزه یک نوجوان در دریا



اندونزی: یک نوجوان اندونزیایی که ۴۹ روز در اقیانوس شناور و در نهایت توسط یک کشتی با پرچم پاناما نجات یافت و به خانه بازگشت. آلدی نوجوان تنها برای چند روز منابع غذایی و آب داشته بود. این نوجوان مسئول روشن کردن چراغ‌هایی بوده که برای کشاندن ماهی‌ها به این تله طراحی شده بوده است. اما در اواسط ماه ژوئیه میلادی بادهای شدید لنگرهای کلبه آلدی را از جا کنده و او را میان آب‌های اقیانوس سرگردان کرد. این نوجوان تنها برای چند روز منابع غذایی و آب داشته و با ماهیگیری و سوزاندن چوب‌های کلبه برای طبخ آن‌ها تصفیه آب شور دریا با گرمای آتش و پارچه‌های لباسش، توانست ۴۵ روز زنده بماند. کنسولگری اندونزی در زاین اعلام کرده پیش از این که کشتی با پرچم پاناما این نوجوان را که بیش از یک ماه و نیم در آب‌های اقیانوس سرگردان بوده کند، ۱۰ کشتی دیگر از کنار او گذشته بودند. آلدی می‌گوید: هر بار دیدن آن کشتی‌ها به نجات امیدوار می‌شدم، ولی هیچ یک از سرنشینان این کشتی‌ها مرا ندیدند. (ایسنا)

یک دیپلمات آمریکایی در «آنتاناناریوو» کشته شد

ماداگاسکار: یک دیپلمات آمریکایی که نامش منتشر نشده، در محل سکونت خود در «آنتاناناریوو» پایتخت ماداگاسکار کشته شده است. مقام‌های ماداگاسکار اعلام کردند، جسد یک دیپلمات آمریکایی را در خانه‌اش در پایتخت این کشور پیدا کرده‌اند. همچنین یک نفر در تباط با مرگ این دیپلمات آمریکایی بازداشت شده است. به گفته سخنگوی ژاندارمری ماداگاسکار، نیروهای پلیس بعد از دریافت گزارش‌های درگیری در محل سکونت این دیپلمات خود را به منطقه رساندند، اما با جسد او روبه‌رو شدند. «هریلاآندرا ایندرا یانارایسانا» افزود: «مرد که سعی داشت تا از فنس داخل حیاط منزل مقتول بالا برود، بازداشت شده است.» مقام‌های پلیس ماداگاسکار به جزئیات بیشتری درباره مرگ این دیپلمات آمریکایی و هویت فرد مظنون اشاره نکرده‌اند. سخنگوی وزارت خارجه آمریکا با انتشار بیانیه‌ای خبر مرگ دیپلمات این کشور در ماداگاسکار تأیید کرد. (فارس)

مرد رهگذر پول نداد گدا چاقو را در گردنش فرو کرد!

آمریکا: یک گدا چاقو را به گردن مرد رهگذر آمریکایی که به او پول نداد، فرو کرد. متکدی که نتوانست از رهگذر خیابانی در نیویورک دلار بگیرد، او را با چاقو زخمی کرد. فقیر مذکور که با کمک نکردن مرد و بی‌احترامی‌اش روبه‌رو شد، با چاقوی گوشت‌بری به گردنش ضربه زد و از صحنه جرم گریخت. پس از آن رهگذران دیگر به کمک مرد شستافتند و ماجرا را به اداره پلیس گزارش دادند. در نهایت افسران پلیس قربانی را که با خون‌ریزی شدید گردنش در گوشه خیابان افتاده بود به بیمارستان رساندند. اما هنوز فرد متکدی فراری است.

هنر زیگر

ادب و هنر

چهارشنبه ۴ مهر ۱۳۹۷

۱۶ | **مهر** ۱۴۴۰ | **۲۶ سپتامبر ۲۰۱۸** | **سال سی و یکم** | **شماره ۸۷۹۰** |

یادداشت

خوانش غزلی آیینی از سروده‌های سعید بیابانکی

صندوقچه سیم و زر



یوسف رستمی: «سعید بیابانکی» در این

غزل، بسیار هنرمندانه و اندیشمند دست به سرایش اثری ماندگار در حوزه شعر آیینی زده و شعر خود را از سطح اشعاری که در این حوزه سروده شده‌اند (و اکثراً دچار غلبه احساس و شعارزدگی‌های ناگزیر هستند) جدا می‌کند:

بگذار که این باغ، درش گم شده باشد
گل‌های تَرش، برگ و برش، گم شده باشد
جز چشم به راهی، به چه دل خوش کند این باغ
گر قاصدک نامه برش گم شده باشد
باغ شب من، کاش درش بسته بماند
ای کاش کلید سحرش گم شده باشد
بی اختر و ماه است دلم، مثل شمع که
صندوقچه سیم و زرش گم شده باشد

شب، تیره و تار است و بلادیده و خاموش
انگار که قرص قمرش گم شده باشد
چاهی ست همه ناله و دشتی ست همه گرگ
خواب پدری که پسرش گم شده باشد

آن روز تو را یافتم افتاده و تنها
در هیبت نخلی که سرش گم شده باشد
پیچیده شمیمت همه جا، ای تن بی‌سر
چون شیشه عطری که درش گم شده باشد
برای درک بهتر این شعر عناصر موجود در شعر را به صورت زیر دسته‌بندی می‌کنیم:

نشانه:شمیم، سسیم، زر (سیم و زر، خود نماد هستند اما در رابطه دال و مدلولی با ماه و اختر، نقش نشانه را برای این نمادها ایفا می‌کنند).
نماد:باغ، در باغ، گل‌های تر، برگ و بر، قاصدک، اختر، ماه، صندوقچه، قرص قمر، گرگ، چاه، نخل، شیشه، عطر.

اسطوره:پدر، پسر.

تشبیه: کلید سحر (اضافه تشبیهی).

استعاره:باغ شب (اضافه استعاری).

پروسی کارکرد عناصر در شعر:چنانکه از ابیات پیداست، بسیاری از ماجراهای حادثه عاشورا بدون اشاره مستقیم و از زاویه دید متفاوت و مختص سسرارینده بیان شده‌اند، از کاراکترهای مهم این واقعه ترازیک، به شکل نمادین نام برده شده و ترکیبی از احساس و اندیشه و به دیگر بیان، ادغام جوش و کوشش شاعرانه در همه مصراع‌ها جریان دارد.

بگذار که این باغ، درش گم شده باشد
گل‌های تَرش، برگ و برش، گم شده باشد
مصراع اول مطلع، با «بگذار» شروع می‌شود. این فعل امر باعث دعوت مخاطب و مشارکت او در متن و جلب توجه و تمرکز او بر پیام می‌شود. «باغ» نماد مادری است که «گل‌های تر» و «برگ و بر» را در دل خود پرورش داده است و دربرگیرنده تمام خوبی‌ها و زیبایی‌های طبیعی است که می‌توان تصور کرد. با ارجاع به ماجرای «باغ فدک» درمی یابیم که در اینجا باغ، سمبل حضرت زهرا(س) است که مادر تمام گل‌ها (نامه اظهار) است. گم شدن در باغ هم، اشاره به شکسته شدن باغ فدک دارد، هم، ناپیدا بودن مزار حضرت فاطمه(س).
جز چشم به راهی، به چه دل خوش کند این باغ
گر قاصدک نامه برش گم شده باشد
پرواضح است که «قاصدک نامه بر» استعاره از حضرت مسلم بن عقیل است. باغ شب من، کاش درش بسته بماند
ای کاش کلید سحرش گم شده باشد

آرزوی «بسته ماندن در شب» هم می‌تواند آرزوی بسته ماندن راز مزار حضرت فاطمه(س) باشد هم اشاره داشته باشد به شی که امام حسین(ع) از یارانش خواست که در سیاهی شب از مهلکه بگریزند.

بی اختر و ماه است دلم، مثل شمع که
صندوقچه سیم و زرش گم شده باشد

اختر و ماه و سسیم و زر، استعاره از کودکان و نوجوانان اهل بیت امام حسین(ع) است. تعامل واگانی و رابطه دال و مدلولی «اختر» با «سیم» و «ماه» یا «زر» بسیار زیبا و هوشمندانه جنبش شده است.

شب، تیره و تار است و بلادیده و خاموش
انگار که قرص قمرش گم شده باشد
پرواضح است که «قرص قمر» اشاره به فداکاری و شهادت حضرت عباس(ع) است و لقب وی یعنی «قمر بنی‌هاشم». بدین معنی که حال و روز «بنی‌هاشم» بدون ماه بنی‌هاشم، تیره‌تر از شب تار است. چاهی ست همه ناله و دشتی ست همه گرگ
خواب پدری که پسرش گم شده باشد
«چاهی همه ناله» نداعی اندیشه و اندوه امام حسین(ع) در شب‌های تاسوعا و عاشورا از عمق تنهایی پدرش حضرت علی(ع) است که در چاه می‌گریست و مقایسه آن تنهایی با تنها ماندن حسین بن علی(ع) در کربلا.

لشکر یزید به گرگ‌هایی تشبیه شده‌اند که سراسر دشت نینوا را فرا گرفته‌اند.

«پدري که پسرش گم شده» به امام حسین(ع) و از دست دادن علی اکبر(ع) و علی اصغر(ع) اشاره دارد و شباهت این ماجرا به ماجرای دوری حضرت یعقوب از پسرانش «یوسف» و «بنیامین».

آن روز تو را یافتم افتاده و تنها
در هیبت نخلی که سرش گم شده باشد
شاعر در اینجا خود را در جایگاه کسی قرار می‌دهد که بعد از ظهر عاشورا در کربلا حضور یافته و از نزدیک شاهد صحنه‌های بعد از نبرد است و تنهایی و بر زمین افتادن پیکر بی‌سر سیدالشهاد(ع). پیچیده شمیمت همه جا، ای تن بی‌سر
چون شیشه عطری که درش گم شده باشد
زیباترین بیت این غزل، بیت آخر است و تشبیه بی نظیر «تن» به «شیشه عطر» و تشبیه «سری که از تن جدا شده» به «در گم شده شیشه عطر».

علاوه بر استفاده از تشبیه زیبا و شاعرانه و نگاه متفاوت، پیامی در مصراع اول این بیت به مخاطب ارسال می‌شود که بسیار عمیق، فکورهانه و تمدنی است و با چنان ظرافتی استفاده شده که به سرعت در ناخودآگاه مخاطب رسوخ کرده و اثرات عاطفی و زیباشناسانه برجای می‌گذارد اما محتوای آن مهم‌تر از وجه زیبایشناختی آن است و آن عبارت است از «پیچیده شمیمت همه جا». شعر سب این تغییر می‌خواهد بیان کند که پیام حادثه عاشورا در همه جا تکثیر شده و اثرات این پیام و فلسفه وجودی قیام عاشورا تا پایان تاریخ ادامه خواهد داشت.

گفت‌وگوی تفصیلی قدس با «سعید بیابانکی» در روز تولد ۵۰ سالگی اش

مردی از «خمینی شهر»، پایتخت شعر

هنوز به جمع وارد نشده بودند. بعدها شاعرانی مانند محمد مستقیمی(راهی)، مجید زهتاب، عباسعلی مهدی و دیگران به این جمع اضافه شدند و انجمن خوب و پیشرویی در آنجا شکل گرفت، ایده کنگره را نخستین بار مرحوم خاسته به مجید زهتاب ارائه داد.

آقای زهتاب آن زمان در مسجد انقلاب سپاه، کار تبلیغات فرهنگی می‌کرد. آن‌ها از این طرح حمایت کردند اما این نگرانی وجود داشت که کسی به کنگره نیاید. سالن بکنتیالی را گرفتند و همان روز اول از استقبال مردم شگفت زده شدند. استقبال آن‌قدر زیاد بود که امکانات کم آمد. کنگره بتدریج شکل گرفت و بخش خصوصی یعنی صنف سنگ بر‌ها حمایت مالی از کنگره را به عهده گرفتند.این کنگره در این شهر فرهنگ‌سازی کرد و نسل بعدی شاعران خودشان را م‌دبوان این کنگره می‌دانند.

♦ **تولدتان را تبریک می‌گویم. شما متولد خمینی‌شهر اصفهان هستید و این شهر هم شهر هنرپوری است؛ از اصغر فرهادی و محسن امیرپورسقی تا سعید بیابانکی و دوستان شاعر زیادی متولد این شهر هستند. سال‌هایی هم که کنگره میلاد آفتاب برگزار می‌شد، خود من شاهد شعردوستی و شعرشناسی مردم این شهر بودم. سؤال من این است که این عشق به هنر و فرهنگ در این شهر از ججا ناشی می‌شود؟**

از لطف شما ممنونم. جواب سؤال شما را خودم هم دقیق نمی‌دانم. خمینی شهر، شهر کوچکی محسوب می‌شود و با حومه‌اش حدود ۲۵۰ هزار نفر جمعیت دارد که به اندازه یک منطقه در تهران هم نیست اما چگالی شاعران در این شهر زیاد است. همین الان من می‌توانم ۵۰ شاعر ممتاز در این شهر نام ببرم که شاید نتوان این اندازه شاعر در سطح کشور پیدا کرد. بخشی از این مسئله به ریشه‌دار بودن آیین‌های مذهبی در این شهر برمی‌گردد. خمینی شهر یکی از قطب‌های مهم تعزیه‌خوانی در کشور است و زمانی که سوغاوهاهی کشوری در رشته تعزیه برگزار می‌شود، بسیاری از برگزارگان از این شهر هستند عباس جوهری که در سریال شب دهم نقش حضرت ابوالفضل(ع) را بازی می‌کرد، ای همین شهرستان است. جدی شدن شعر و علاقه‌مند شدن مردم به شعر از کنگره «میلاد آفتاب» شروع شد. مرحوم خاسته که نخستین استاد خود من هم بود، فردی آمی بود که شاید سواد خواندن و نوشتن درستی هم نداشت اما شعردوست و شعرشناس بود؛ بسیاری از اشعار شاعران متقدم را حفظ بود و او بود که علم شعر را در این شهر بلند کرد و خیلی‌ها را شاعر کرد. آدم صاحب نفسی بود. مستخدم مدرسه بود و گاهی دست‌روشی می‌کرد اما همه زندگی‌اش با شعر گره خورده بود. من خودم بعد از اولین زمزمه‌های شعر در سال‌های ۶۲ و ۶۳ توسط آقای خاسته تشویق و به انجمن ادبی سروش معرفی شدم. این انجمن به نام سروش اصفهانی معروف به شمس‌الشعرا از شاعران مهم دوران قاجار نام‌گذاری شده که خودش اصالتاً اهل سده یا همان خمینی‌شهر بوده است. وقتی به آن انجمن رفتم با گروهی از شاعران مانند مرحوم باغبان آشنا شدم که شعر را از معصیر اصفهانی آموخته بود و در اصل شغلش هم باغبانی بود. شاعرانی در انجمن بودند که از پطن مردم برخاسته بودند و آدم‌های آکادمیک

از آقای حمید سبزواری تا آقای سهیل محمودی دعوت می‌شدند اما بیشتر برگزارکنندگان کنگره گرایش اصلاح طلبانه داشتند. آن سال شورای ۱۳ نفرهای تشکیل شد تا درباره برگزاری کنگره تصمیم بگیریم. من خودم موافق برگزاری بودم و استدلالم این بود که برگزاری کنگره به معنای ثبات و امنیت این شهر است ولی این مسئله رای نیاورد و کنگره برگزار نشد و یکی دو سال بعد هم که مرحوم خاسته از دنیا رفت، ما‌ها شد و کنگره به خاطر‌ها پیوست.

♦ **نمی‌خواهید دوباره کنگره را زنده کنید؟**

آن محور و ستون خیمه دیگر نیست. آقای خاسته خیلی محبوب بود و هرجا می‌رفت و می‌گفت برای کنگره پول بدهید اصلاً کسی نمی‌گفت چرا و چقدر و با علاقه کمک می‌کردند. اگر کنگره بخواهد دوباره

خواندن شعر خوب، ما را شاعر کرد

جهان مجازی کاری کرده که همه احساس کرده‌اند. هنرمندان ۲۰ سال قبل وارد یک جلسه می‌شدی می‌دیدند همه نشسته بودند؛ یک نفر کارتی به گردش آویزان بود و با نوربینش عکاسی می‌کرد. حرف‌اش این بود و درست کارش را انجام می‌داد. تاپیک یک هنر بود، اکنون همه تاپیبهست شده‌اند، همه شده‌اند نویسنده و شاعر؛ من با این فکر نمی‌ایم! اگر همه شب‌ها شب قدر بودی، شب قدر بی قدر بودی. شاعر بودن و مؤلف بودن بی قدر شده است اما رسیدن به این درجه سخت است. این ایراد از سیستم آموزشی ما شروع می‌شود که دانش آموز را کتاب گریز و مطالعه گریز می‌کند. این یک درد اجتماعی است که نظام آموزشی بچه‌ها را جوری تربیت می‌کند که از درس خواندن و کتاب

راه بیفتد با همین شکل باید باشد و حمایت بخش خصوصی را داشته باشد وگرنه اگر برود زیرمجموعه بخش دولتی و بعد از مدتی دوباره تعطیل شود، فایده‌ای ندارد.

♦ **برگردیم به خودتان. از کی احساس کردید دیگر شاعر حرفه‌ای هستید و این چه احساسی به شما منتقل می‌کرد؟**

اولین کتاب من به نام «ردپای بر برف» در سال ۶۹ در حوزه هنری منتشر شد که مقدمه‌ای دارد که نمی‌دانم به قلم کیست اما برای من خیلی ارزشمند است. در آنجا نوشته بودند که ادبیات

آنچه می‌خوانید

کار بزرگ کنگره میلاد آفتاب این بود که مردم و مخاطبان شعرشناسی و موسیقی‌شناسی را تربیت کرد که تا نیمه‌های شب می‌نشستند و شعر گوش می‌دادند و لذت می‌بردند. یادم هست در آخرین شب آخرین کنگره، آقای میرشکاک آمد و گفت اینجا را باید پایتخت شعر نامید و من خوشحالم که شما آبروی ادبیات را به ادبیات برگرداندید.



را به ظهور یک شاعر خلاق نوید می‌دهیم و من از ایسن مقدمه خیلی حال کردم! بعدها فهمیدم کسانی مانند سیدحسن حسینی و قیصر امین‌پور کتاب را خوانده بودند و این برایش ارزش زیادی داشت. اما هنوز نه خودم برای شعر جدی بودم و نه شعر برای خودم جدی بود. از وقتی کتاب دوم به نام «نیمی از خورشید» در سال ۱۳۷۶منتشر شد، فضا برابرم عوض شد. آقای صادق رحمانی که اکنون مدیر رادیو فرهنگ است، انتشاراتی در قم داشت به نام نشر همسایه و به من پیشنهاد داد که کتابت را رده چاپ کنیم اما پول زیادی نداریم، خودت هم کمک کن. از یکی از دوستانم ۲۰۰ هزار تومان قرض گرفتم، کتاب چاپ شد و در عرض ۶ ماه همه نسخه‌هایش به فروش رفت و انتشار این کتاب سبب شد جدی گرفته شوم. غزل‌های عاشورایی من که هنوز مشهورترین کارهایم هست، در این کتاب بود و چند نقد خوب بر آن نوشته شد. آن زمان استاد حسین آهی برنامه تلویزیونی «معرفی کتاب» داشت و در آن زمان تلویزیون تأثیرگذاری زیادی داشت. من کتاب را برایش پست کردم و ایشان با شوقی که معلوم بود شاگنکی نیست، آن را معرفی کرد و گفت کتابی به دستت من رسیده از یک شاعر جوان اصفهانی که شعرهایش را دوست داشتم و یکی دو شعر کتاب را خواند.

برنامه را که دیدم، بغض کردم چون فکر نمی‌کردم شعرهایم به جایی برسد که استاد حسین آهی آن را معرفی کند. شعر برای من وقتی مهم شد که به دانشگاه رفتم، قبل از آن همه چیز برابرم رفتنی بود. طنز و جوک می‌گفتم و راهبرد خاصی در شعر نداشتم. در دانشگاه بااستاد خسرو احتشامی آشنا شدم که من تا امروز دانشم را رها نکرده‌ام چرا که شاعر بزرگ و فاضلی را پیدا کردم که به نوعی پیر من در شعر است. با آقای مستقیمی هم وقتی در دوره ارشد وارد دانشگاه شد و آقای قادر طهماسبی (فرید) هم در دانشگاه آشنا شدم. آقای فرید در جهاد دانشگاهی اصفهان جلسه‌ای داشت که از دل این جلسه شاعران بسیار مهمی بیرون آمدند.

♦ **اصفهان در آن دوره در شعر خیلی خوب بود؛ اکنون هم همان فضا با همان قدرت در این شهر هست؟**

آن زمان در شعر یک کلونی بیشتر نبود و همه مجتمع بودند و دیده می‌شدند. طیف سنتی در انجمن ادبی صاف که از زمان بی‌ریای گیلانی و از دهه ۴۰ تشکیل شده بود، حضور داشتند. طیف جوان و او‌انگار هم در انجمن ادبی کمال کرد آمده بودند که پاتوق دانشجویها شد بود و حدود ۴۰۰ نفر در آن جلسه شرکت می‌کردند. البته شعرهای انتقادی در جلسه خوانده می‌شد و در دوره آقای‌هاشمی رفسنجانی که فضا بسته بود، نهادهای امنیتی آن جلسه را بستند. همزمان با تشکیل حوزه هنری اصفهان، ما نزد مسئولان آنجا رفتیم و گفتیم ما از طیف انقلاب هستیم و می‌خواهیم

«کنگره شعر جنگ» زیر بمب باران

دوره با دوره ما یعنی دوره پیمشماجری، این است که دسترسی ما به شعر از طریق مطبوعات، کتاب و انجمن‌ها بود. احساس نیاز به دانستن و آگاه بودن در آن دوره وجود داشت اما حالا با وجود شبکه‌های اجتماعی کسی احساس نیاز نمی‌کند. ما برای ایام جهانی‌های دین یک شاعر برویم، خیلی رنج می‌کشیدیم. یاد کنگره شعر جنگ در زمان جنگ در اهواز برگزار شد. وقتی ما به اهواز رسیدیم صدام دو ساعت قبل شهر را بمباران کرده بود. ما برای شاعر شدن و شعر شنیدن سختی می‌کشیدیم به همین خاطر آن نسل، شاعران ریشه‌دارتر و اصیل‌تری دارد اما این نسل راحت طلب است و فقط به دنبال این است که خود را در یک صفحه در معرض دید دیگران قراردهد.

نیروهای متعهد باید همگرا باشند تا هم‌دیگر را خنثی نکنند. اینکه در جاهای مختلف پراکنده باشند، سبب می‌شود از هم خیر نداشته باشند و ندانند چه اتفاقی در جاهای دیگر می‌افتد. یک زمانی کنگره شعر دانشجویان در کشور برگزار می‌شد. من از اصفهان، آقای کاکایی از ایلام، آقای محدثی از خراسان، آقای علیپور از گیلان و شاعران دیگر از سراسر کشور می‌آمدند. هم را پیدا می‌کردیم و می‌دیدیم چقدر متفاوت فکر می‌کنیم ولی اینجا به هم‌گرایی می‌رسیم. تکثر فی نفسه بد نیست اما همگرا کردن نیروها را سخت می‌کند. شاید مسئولان فرهنگی در استان‌ها شاعران درجه سه و چهار در دوم دبیرستان رسیدیم.اصلاً همان شعرهای خوب بود که ما را شاعر کرد.

خواندن لذت نبرند. مدرسه سیستم استبداد زده‌ای دارد که مثلاً درباره شعر، که حرفه ماست، معلم می‌گوید معنی این شعر این است که من می‌گویم، من با این حرف مخالفم چرا که به‌اندازه مخاطبان، شعر معنا دارد. من چهارم دبستان در دوره قبل از انقلاب شعر «آرش» سیاوش کسرایی را که یکی از بهترین شعرهای فارسی است، در کتاب درسی خواندم و هنوز آن را حفظم. بعد از انقلاب این شعرها از کتاب‌های درسی حذف شد و کتاب‌های درسی، ذائقه دانش آموزان ما را روز به روز کاهش داد و از شعر سیاوش کسرایی در سال چهارم دبستان به شعر شاعران درجه سه و چهار در دوم دبیرستان رسیدیم.اصلاً همان شعرهای خوب بود که ما را شاعر کرد.

هنرهای تجسمی

عکاس خبرگزاری فارس:

لطف خدا بود که هنگام حمله تروریستی نترسیدیم



پدرام‌خو خیلی شجاعانه، هم می‌ایستادند و هم می‌نشستند و عکاسی می‌کردند. دوربین آقای یاقوتی‌را هم ضبط کردند و هنوز نمی‌دانم توانستند پس بگیرند یا نه؟ آقای جابریان هم مجبور شدند عکس‌هایشان را به خبرگزاری دیگری بدهند تا کار شود.رحیموایان تأکید کرد: لطف بزرگ خدا بود که آن لحظه من و بچه‌های عکاس نترسیدیم و عکاسی کردیم.رضا رشیدیپور مجری «حالا خورشید» هم ضمن تقدیر و تشکر از عکاسان حادثه تروریستی اهواز، خطاب به رحیموایان افزود: همه ترسیده بودند و خانواده‌ها فرار می‌کردند، من وقتی سربازی را دیدم که پایش تیر خورده اما باز هم به فکر نجات مردم است، دیگر نترسیدم. وی با یادآوری همدلی مردم با یکدیگر در آن شرایط گفت: خیلی از خانم‌هایی که آنجا بودند از کودکان محافظت می‌کردند، هیچ نسبت فامیلی با هم نداشتند، یعنی مادر بچه نبودند، اما به یک نجات هموع خودشان بودند، سربازان سپاه، ارتش و نیروی انتظامی هم خودشان را سپر مردم کرده بودند.

عکاس خبرگزاری فارس ضمن تمجید از دیگر عکاسانی که در آن حادثه تروریستی به ثبت وقایع پرداختند، از مهدی پدرام‌خو، مرتضی یاقوتی، مرتضی جابریان، علی معرف، علی محمدی، شایان حجتی و… نام برد و افزود: آقای

عکاس خبرگزاری فارس ضمن تمجید از دیگر عکاسانی که در آن حادثه تروریستی به ثبت وقایع پرداختند، از مهدی پدرام‌خو، مرتضی یاقوتی، مرتضی جابریان، علی معرف، علی محمدی، شایان حجتی و… نام برد و افزود: آقای

موسیقی

مجید اخشابی:

کیفیت موسیقی پاپ پایین آمده است



باشگاه خبرنگاران:مجیداخشابی، خواننده موسیقی پاپ، در خصوص بازار موسیقی پاپ گفت: اگر بخواهم درباره این موضوع صحبت کنیم، به طور حتم موسیقی پاپ در این مقطع زمانی دوران پیشرفت، ارتقا و کمال را طی نمی‌کند. وی افزود: اگر موسیقی را با برهه‌های مختلف قیاس کنیم صرف می‌پردازند که به زودی رنگ می‌بازد و موسیقی ماندگاری نیست.

اخشابی با بیان اینکه در حال حاضر بازار مسیرش را این چنین طی می‌کند و این گونه موسیقی‌ها دست به دست می‌شود، گفت: باید در وهله اول مخاطبان و بعد اسامید موسیقی و ارگان‌های مربوط تلاش کنند تا سلیقه مردم ارتقا پیدا کند و هنرمندان مجبور به تولید آثار با کیفیت‌تر، قابل توجه‌تر و بدون ایرادتر شوند.

این خواننده در خصوص کم کاری این روزهای خود در عرصه موسیقی گفت: حوزه فعالیت‌های من فقط اجرای موسیقی نیست و به شاخه‌های متعددی ارتقا پیدا کرده است. من در حال حاضر مشغول تدریس در دانشگاه، تحقیق و پژوهش، پیگیری امور آموزشی و تلاش برای ارتقای سطح آموزش موسیقی و نگارش متدهای آموزشی هستم البته مثل گذشته همچنان با پیگیری فعالیت‌های اجرایی، هنری و تولید موسیقی، در ماه دو ماه یکبار اثری جدید منتشر می‌کنم.

وی در خصوص همکاری خود با رسانه ملی بیان کرد: فعالیت‌هایم با رسانه همچنان ادامه دارد و در برنامه‌های مختلف تلویزیونی حضور دارم.

جلسه داشته باشیم، از حضور ما استقبال و از ما حمایت کردند. شعر اوانگارد از آنجا شروع شد. آن دوره همگرا بودیم و کسی دیگران را خنثی نمی‌کرد ولی اکنون همه پراکنده شده‌اند.

♦ **در دوره جدید شاعران به جای صرف انرژی برای دیده شدن و منتشر کردن شعر، می‌توانند راحت اثر خود را در فضای مجازی منتشر کنند، این به نظر شما یک تهدید است یا فرصت؟**

به اعتقاد من شبکه اجتماعی فقط ابزار انتشار شعر است ولی عرصه تحلیل به آن معنای واقعی نیست. روزنامه ساختاری یک طرفه دارد بیشتر از خدمت باشد. خدمتی که این فضا به شعر کرده نسبت به خیانت ۲۰ به ۸۰ است یعنی ۸۰ درصد تخریب کرده و ۲۰ درصد کمک کرده است. اگر این جهان مجازی نبود وضعیت شعر خیلی خیلی بهتر از این‌ها بود.

♦ **ولی شما به عنوان یک شاعر نمی‌توانید از فضای مجازی غافل باشید، این را که قبول دارید؟**

بله در این فضا هستیم اما ما که تربیت شده جهان مطبوعات و کتابیم، ترجیح می‌دهیم همان گونه عمل کنیم.

♦ **این جهان کتاب و مطبوعات مگر چه مشخصاتی دارد؟**

ساختار حساب شده‌ای دارد. هر چیزی رانمی‌شود در آن منتشر کرد چرا که از یک صافی می‌گذرد، صافی به معنای ممیزی به معنای بدش نیست، به معنای کارشناسی است. وقتی جودآم بودم برای مجلات و مطبوعات شعر می‌فرستادم و مرتب رصد می‌کردم. آن کسی که به این نامه‌ها پاسخ می‌داد و منتشر می‌کرد، خودش شعرشناس بود و اغلب هم شاعران بزرگی مسئولان این صفحات بودند. تشخیص او بود که آیا من باید در صفحه حضور پیدا کنم یا بروم در بخش «نامه‌های شما رسید». روزی که شعر من در روزنامه اطلاعات برای اولین بار چاپ شد، مثل بمب صدا کرد. صغیر و کبیر شعر مرا خوانده بودند. روزنامه‌ها خوانده می‌شدند و شعرهم از یک صافی گذشته بود که مهر تأییدی بود بر شاعری شما. کتاب که ساختارش سخت‌تر بود؛ باید شعرها را به ناشر می‌دادی که سخت گیرتر بود.

بعد شعرها برای مجوز به ارشاد می‌رفت، بعد انتشار و توزیع و تازه بعد از یک سال بازخوردش را می‌دیدی. این طی مدارج در جهان مجازی از بین رفته است و هر چیزی را می‌توانی منتشر بکنی. خوب و بدش به عهده کیست؟ کارشناسی ندارد که تصفیه کند که این باشد و آن نباشد. تشخیص خاص کنار رفته و تشخیص عوام مخاطبان در اولویت است. مخاطبان عام و عوام الناس را هم دیده‌ایم که معمولاً در انتخاب‌هایشان چه در انتخاب‌های هنری و چه در انتخاب‌های سیاسی اشتباه می‌کنند! طیف فرهیخته که باید خوب را از بد تشخیص بدهد، وجود ندارد، در نتیجه هر فردی خودش تشخیص می‌دهد چه را باید منتشر کند و چه چیز را نباید. خودش را در جایگاه مؤلف قرار می‌دهد، ولی همه قرار نیست مؤلف باشند.

خبر

در مراسم گرامیداشت مجاهدت‌های رسانه‌ای خانواده معاونت برون مرزی صدا و سیما صورت گرفت

تجلیل نمادین از «عهدالتیمی»

سینما و سینما: روز گذشته سوم مهر در مرکز همایش‌های صدا و سینما مراسم گرامیداشت مجاهدت‌های رسانه‌ای خانواده معاونت برون مرزی صدا و سینما برگزار شد.



عبدالعلی علی عسگری رئیس سازمان صدا و سیما، پیمان جبلی معاونت برون مرزی و جمعی از مدیران و کارکنان معاونت برون مرزی، نمایندگان جنبش حزب الله، حماس و... برگزار شد.

عبدالعلی علی عسگری رئیس سازمان صدا و سیما، پیمان جبلی معاونت برون مرزی و جمعی از مدیران و کارکنان معاونت برون مرزی، نمایندگان جنبش حزب الله، حماس و... برگزار شد. پیمان جبلی، معاونت برون مرزی در سخنانی گفت: سیاست برون مرزی و رویکرد ما چیزی جز رویکرد انقلاب اسلامی نیست و اگر ما قدرت و ضربت نفوذی داریم این مسئله ناشی از قدرت انقلاب اسلامی است. همواره رابطه مستقیمی بین افزایش فشارهای دشمن و افزایش اقتدار جبهه مقاومت انقلاب وجود داشته است. اقتدار جبهه مقاومت ناشی از اصل فطری بودن پیام انقلاب است که از حق تمام مظلومین و مستضعفین دفاع می‌کند. از آنجایی که جبهه مقاومت و انقلاب اسلامی این پیام را دنبال می‌کند روز به روز قدرت می‌یابد و عکس العمل طرف مقابل نتیجه اقتدار ماست. رسانه‌های برون مرزی باید این واقعیت را تبیین کنند. معاون برون مرزی صدا و سینما تصریح کرد: زمان جنگ تحمیلی دفاع ما در مرزهای کشور جمهوری اسلامی به اندازه مرزهای کل کشورهای اسلامی است. همچنین علی عسگری رئیس صدا و سینما در ادامه این نشست گفت: چهل سال قبل که انقلاب اسلامی رخ داد رسانه‌های دنیا در دست ابرقدرت‌های همچون آمریکا و شوروی بود و اساساً مفهومی به نام جبهه مقاومت وجود نداشت. از زمان تولد انقلاب اسلامی جبهه رسانه‌ای جدیدی شکل گرفت و رشد کرد. وی در ادامه خطاب به کارکنان معاونت برون مرزی با اشاره به بخش اهمیت بین الملل صدا و سینما گفت: بخش بین‌الملل بسیار حائز اهمیت است و شما برای آن تلاش بسیاری می‌کنید و در واقع شما در کنار رسانه‌های حزب‌الله بقیه رسانه‌های مقاومت هستید. قرار بود در این مراسم از عهدالتیمی، نوجوان مبارز فلسطینی تجلیل به عمل آید، اما به دلیل کارشنکی‌های رژیم صهیونیستی وی موفق به سفر به ایران نشد و کلیبی از وی پخش شد. در ادامه پیام ویدیویی او برای حضارن به نمایش درآمد. التیمی در این پیام ویدیویی از مردم ایران که همواره پشتیبان مردم فلسطین بودند تشکر کرد و به دلیل عدم همراهی در این مراسم ابراز تأسف کرد.



در «هزارداستان» تا بی‌نهایت قصه را بازگو کنیم. قصه تا ابد ادامه دارد و این کاملاً بستگی به نوع نگاهمان دارد؛ مهم این است که آن روایت خوب از کار در بیاید.

چه شد که این برنامه در ساختار تولیدات مناسبتی قرار گرفت؟ فرصت و آسیب‌های مناسبتی ساختن از نگاه شما چیست؟

به نظرم مناسبتی ساختن هم مهارت می‌خواهد و هم توانایی که البته خستگی‌های خاص خودش را هم دارد. منظورم از مهارت، توانایی در انتخاب موضوع است. مثلاً مادری که در حال آماده کردن چیزی به دخترش است و ناگهان فرزندش به دلیل یک تب ساده فوت می‌کند و زندگی‌اش به هم می‌ریزد به ما می‌گوید که پس از این اتفاق یک گروه تشکیل داده و در این گروه سعی کرده به همه بپیندا آنچه در کلینت این ماجرا مهم است کشف نشده و باید ادامه داد. این برنامه در ماه محرم مصداق دارد یا در ماه رمضان توانایی پرداختن به سوز‌های ناب را داریم. در ماه رمضان اسامال برزو اگرچند در برابر یک ساقدوش اجرای قرار گرفت و در مقابل آن هم یک راننده آمبولانس و سنگ تراش قیر بودند. آن‌ها با همه چیز در مورد مرگ شوخی کردند، اما در انتها خواستیم به این برسیم که آدم‌ها آن قدر تنها شدند و همیشه در موقعیت‌های سخت و حساس تنهاهند. دامادی که تنهاست و کسی را برای ساقدوش خود ندارد یا راننده آمبولانسی که به گفته خودش به طبقه نهم یک ساختمان رفته و دیده که زن تنها یا یک جنازه در خانه است و کسی نبوده آن را به پایین ساختمان حمل کند و ناچار خود راننده جسد را در آسانسور می‌گذارد و می‌پرد. این‌ها گرچه شاید در نگاه اول با شوخی همراه می‌شوند اما در نهایت یک مفهوم مهم را به ما می‌رسانند.

بله. از کارگردانان و فیلمنامه نویسان مختلف این پیشنهاد را بسیار داشتیم. برام پیش آمده کارگردانی از من خواسته صدتا از این سوز‌ها را برایش فهرست کنیم و بفرستیم و جالب است که خودش این سوز‌ها را پیگیری نمی‌کند. حتی خیلی‌ها می‌گویند سوز‌هایتان را ما به یادیم ببینید! آنچه در کلینت این ماجرا مهم است کشف نشده و باید ادامه داد. این برنامه در ماه محرم مصداق دارد یا در ماه رمضان توانایی پرداختن به سوز‌های ناب را داریم. در ماه رمضان اسامال برزو اگرچند در برابر یک ساقدوش اجرای قرار گرفت و در مقابل آن هم یک راننده آمبولانس و سنگ تراش قیر بودند. آن‌ها با همه چیز در مورد مرگ شوخی کردند، اما در انتها خواستیم به این برسیم که آدم‌ها آن قدر تنها شدند و همیشه در موقعیت‌های سخت و حساس تنهاهند. دامادی که تنهاست و کسی را برای ساقدوش خود ندارد یا راننده آمبولانسی که به گفته خودش به طبقه نهم یک ساختمان رفته و دیده که زن تنها یا یک جنازه در خانه است و کسی نبوده آن را به پایین ساختمان حمل کند و ناچار خود راننده جسد را در آسانسور می‌گذارد و می‌پرد. این‌ها گرچه شاید در نگاه اول با شوخی همراه می‌شوند اما در نهایت یک مفهوم مهم را به ما می‌رسانند.

شما روحیه جست‌وجوگری دارید. از عرصه مطبوعات به تلویزیون آمدید، قصد ندارید مدیوم دیگری را تجربه کنید؟

خیلی دوست دارم مستند کار کنم و اتفاقاً چندین طرح هم دارم و خیلی جدی به این فکر می‌کنم که داستان‌های ما در ایران به صورت روایتی هفتگی‌ای تمام هدفمان این بود به صورت روایتی هفتگی‌ای تمام

گفت و گوی قدس با مریم نوابی نژاد، طراح و کارگردان برنامه «هزارداستان»

قصه مردم تا ابد ادامه دارد

آسیما و سینما/ صبا کریمی | «هزار داستان» عنوان مجموعه‌ای است که تاکنون چهار فصل از آن روی آنتن رفته است و داستان افرادی را روایت می‌کند که با تمام سختی‌ها به زندگی ادامه می‌دهند و آن را می‌سازند. مریم نوابی‌نژاد، طراح و کارگردان «هزار داستان» تصویرگر زندگی پرفراز و نشیب مردم است. او سال‌ها پیش کارش را در مطبوعات آغاز کرد و از همان ابتدا هم تشنه شنیدن قصه زندگی آدم‌ها بود. این برنامه به تهیه‌کنندگی جواد فرحانی و کارگردانی مریم نوابی‌نژاد در ماه محرم و صفر ساعت ۲۱ روی آنتن شبکه نسیم می‌رود و به همین بهانه با کارگردان این مجموعه به گفت‌وگو پرداختیم که در ادامه می‌خوانید.



برش

می‌توانیم در «هزارداستان» تا بی‌نهایت قصه را بازگو کنیم. قصه تا ابد ادامه دارد و این کاملاً بستگی به نوع نگاهمان دارد؛ مهم این است که آن روایت خوب از کار در بیاید.

در قلاب برنامه‌ای با یک مجری روی آنتن ببریم. مگر قصه‌ها بی‌نهایت نیستند؟ پس می‌توانند روایتگرهای بیشماری هم داشته باشند.

شاید اگر خودتان در آن پروژه حضور نداشتید و سوزه پرداز «ماه عسل» نبودید این قضاوت‌ها نگران‌تان می‌کرد.

بله، ما در واقع در «ماه عسل» تست زدیم جواب گرفتیم و من دیگر نمی‌خواستیم در یک قالب باشم و به طور مثال فقط ۳۰ سوزه با اجرای احسان علیخانی در «ماه عسل» داشته باشیم؛ در این حالت شما می‌خواهید قدری وسیع‌تر ببینید و این خیلی دست آدم را باز می‌کند. من رسول نجفیان را مقابل دوست قدیمی‌اش قرار می‌دهم که همسرش سال‌هاست دچار اس است، یا دنیا مدتی که همسایه ازینا لاجینی است روی‌رویش قرار می‌گیرد. این اتفاق دست من را خیلی باز می‌گذارد و توان قصه‌گویی بیشتری به ما می‌دهد. مگر شده در زمان فیلم ادبیات... به یک موضوعی بسنده کنیم و بگوییم دیگر کافی است راجع به جنگ خیلی حرف زدیم! قصه بی‌نهایت است. مگر ما می‌توانیم بگوییم یک برنامه‌ای هست به نام «ماه عسل» یا ۲۰ قصه و دیگر نباید به چنین داستان‌هایی پرداخت؟ این برنامه مگر می‌تواند و اساساً گنجایش پرداختن به همه قصه‌ها را دارد؟ در حالی که شما می‌بینید ما می‌توانیم

طرح و ایده «هزارداستان» چطور شکل گرفت؟ شاید بد نباشد به این اشاره کنیم که پیشینه این برنامه در بطن برنامه‌های دیگری مانند «ماه عسل» هم بوده است.

جناب از این که به قول شما این برنامه پیشینه‌های در دیگر برنامه‌ها داشته شاید بتوان گفت پیشینه واقعی و اصلی آن به کار و زندگی شخصی خودم برمی‌گردد. من از ۱۷ سالگی در مطبوعات درگیر موضوعات اجتماعی شدم و هنوز مدرسه می‌رفتم که گزارش اجتماعی می‌نوشتم و بابتش دستمزد می‌گرفتم.

اولین گزارش‌هایتان را برای چه روزنامه یا نشریه‌ای می‌نوشتید؟

آن زمان بیشتر کیهان و اطلاعات بود و من با مجله زن روز همکاری می‌کردم. ما در مؤسسه کیهان بودیم و در واقع تمام مطبوعات وابسته به آن در یک مؤسسه بودند. شهلا شرکت سردبیر وقت بود و ما صفحات فوجان را گرفتیم و پس از سروروش نوجوان صفحات ادبی زن روز را برای نوجوان گرفتیم و شروع به فعالیت کردیم. در همان روزها یکی از همکارانم قرار بود برای تهیه گزارش به زندان زنان برود، اما مریض شد و من به جای او رفتم و این شروعی برای پایبند شدن من در این فضا بود. تمام این سال‌ها نیز موضوعات اجتماعی را در روزنامه‌هایی مانند همشهری و جام جم دنبال می‌کردم و متوجه اثربخشی آن بودم و می‌دیدم که چقدر قصه ناب شنیدن، برای مردم جذاب است و این که زندگی‌هایی زیادی در اطراف ما وجود دارد که با قدری کنکاش می‌توان راجع به آن‌ها گفت؛ اما پوشیده ماندند و حرفی درباره شان زده نمی‌شود. چند سال بعد دست تقدیر من را وارد برنامه «ماه عسل» کرد و این بار این داستان‌ها را در مدیوم دیگری به نام تلویزیون تست کردم و دیدم که مردم خیلی با آن ارتباط می‌گیرند و اتفاقاً این ارتباط از آن حیث است که داستان‌ها واقعی بوده و شعاری ندارند. بعدها به

این سبک و سیاق برنامه با «ماه عسل» متولد شد و شکل گرفت. نگران قضاوت‌ها مبنی بر بی‌بودن برنامه نبودید؟ یا این که این برنامه خیلی متأثر از «ماه عسل» باشد؟ برای این که این تفاوت ایجاد شود چه کردید؟

اولاً به نظرم خیلی خوب است که مخاطب حتی یاد آن برنامه بیفتد، زیرا من از سال ۸۴ سوزه پرداز «ماه عسل» بودم و در ۶ سال طلایی‌اش حضور داشتم. بنابراین اگر این اتفاق هم بیفتد خیلی خوب است چون ما را با نمونه‌ای مقایسه می‌کنند که حالا دیگر برای خوشن یک برند است. قدری این نگاه قالبی را کم کنیم که فلان برنامه هست پس شما چرا سراسر رفته‌اید. تا وقتی کسی حرفی دارد اجازه بدهیم حرف بزند و اگر جایی حس

آگهی تغییرات شرکت تولیدی و صنعتی شیشه طلایه جاودان خراسان شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۲۳۵۱۰ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۳۸۹۶۰۳

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۷.۰۲.۲۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱- موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت پارسیان حسابرسان اقق به سمت بازرس اصلی و آقای اصغر شرافتقند به شماره ملی ۰۷۰۱۸۱۷۸۷۹ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب شدند. ۲- روزنامه کنترالانتشار قفس جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد. ۳- روزنامه و حساب سود و زیان شرکت منتهی به سال ۱۳۹۶ مورد تصویب قرار گرفت. ۹۷۱۰۰۶۹

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۲۵۴۹۷۳)

آگهی تغییرات شرکت مهندسی مشاور سپاد اندیش شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۶۱۳۷ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۳۱۷۵۰۲

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷.۰۵.۲۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: - آقای حامد قرقانی با کد ملی ۰۹۰۱۱۳۷۹۰۱ به عنوان مدیر عامل و عضو هیئت مدیره آقای امیر علیزاده با کد ملی ۰۹۲۳۴۱۸۸۳۳ به عنوان رئیس هیئت مدیره و آقای مهدی صباحی با کد ملی ۰۵۶۲۹۸۰۳۱۱۵ به عنوان نایب رئیس هیئت مدیره برای مدت دو سال انتخاب شدند. - حق امضاء کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهد آور رسمی و بانکی شرکت با امضاء ثابت آقای حامد قرقانی به عنوان مدیر عامل و متغیر یکی از اعضاء هیئت مدیره آقای مهدی صباحی و یا آقای امیر علیزاده با مهر شرکت معتبر خواهد بود. ۹۷۱۰۰۶۷

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۲۵۴۹۷۰)

آگهی تغییرات شرکت رهاب سازه طوس شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۳۷۸۹۰ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۵۳۵۰۵۹

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۷.۰۵.۰۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: حامد قرقانی با کد ملی ۰۹۰۱۱۳۷۹۰۱ و حامد مشیری با کد ملی ۰۴۰۶۵۲۸۵۷۸ و آقای امیرعلی زاده با کد ملی ۰۹۲۳۴۱۸۸۳۳ به عنوان اعضاء هیئت مدیره برای مدت دو سال انتخاب شدند - آقای مهدی صباحی با کد ملی ۰۵۶۲۹۸۰۳۱۱۵ به عنوان بازرس اصلی و آقای محمود کامشاد با کد ملی ۰۹۲۳۴۱۸۸۳۳ به عنوان بازرس علی‌البدل برای یک سال مالی انتخاب شدند. ۹۷۱۰۰۶۵

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۲۵۴۹۶۶)

آگهی تغییرات شرکت تولیدی ذغاله‌های صنعتی خراسان شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۱۵۰۰ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۲۷۲۰۲۱

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۷.۰۵.۲۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: - اعضا هیئت مدیره به قرار ذیل برای مدت دو سال انتخاب گردیدند: ۱- خانم آ. آقای پرویز کریمی به شماره ملی ۰۸۹۴۴۰۸۱۴۸ - خانم آ. آقای بهروز کریمی به شماره ملی ۰۹۲۴۴۹۰۵۴۹ - خانم آ. آقای ترگس اسمعیل به شماره ملی ۰۰۵۶۱۰۳۵۷۳ - روزنامه کنترالانتشار قدس جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد. - خانم آ. آقای نازنین جواد موسوی به شماره ملی ۰۹۳۱۶۳۰۷۹۷ به عنوان بازرس اصلی و خانم آ. آقای محمد اورعی ناسویی به شماره ملی ۰۹۳۱۷۱۷۱۹۹۹ به عنوان بازرس علی‌البدل برای یک سال مالی انتخاب گردید. ۹۷۱۰۰۶۱

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۲۵۴۹۶۴)

آگهی تغییرات شرکت تولیدی و صنعتی پایوند توس شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۴۰۹۸ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۲۹۷۴۰۵

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۶.۱۰.۱۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: به موجب مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۶.۰۷.۱۵ افزایش سرمایه شرکت از مبلغ ۷۵۰۰۰۰۰۰ ریال به مبلغ ۳۰۷۵۰۰۰۰۰۰ ریال از طریق افزایش تعداد سهام از ۷۵۰۰۰۰۰ به ۳۰۷۵۰۰۰۰ سهام و از محل تبدیل مطالبات حال شده سهامداران و پرداخت نقدی مورد تصویب قرار گرفت و با عنایت به اظهارنامه تنظیمی و همچنین سند حسابداری صادره مبنی بر تصفیه مطالبات و انتقال مطالبات مذکور به حساب سرمایه و گواهی شماره ۸۶۸۰۱۰۲۰۱۰۶۸۸ مورخ ۱۳۹۶.۱۰.۱۹ بانک اقتصاد نوین هیئت مدیره مرحله اول افزایش متبرور را به میزان ۱۷۴۸۲۹۹۰۰۰۰ ریال و افزایش تعداد سهام از ۷۵۰۰۰۰ به ۱۸۲۳۲۹۹۰۰۰ سهم را عملی دانسته در نتیجه ماده مربوطه در اساسنامه به شرح ذیل اصلاح می‌گردد: ماده ۵ اصلاحی: سرمایه شرکت مبلغ ۱۸۲۳۲۹۹۰۰۰۰ ریال منقسم به ۱۸۲۳۲۹۹۰۰۰ سهم ۱۰۰۰۰ ریالی با نام می باشد که تماماً پرداخت گردیده است. ۹۷۱۰۰۸۰

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۲۵۵۰۴۷)

آگهی تغییرات شرکت ساختمانی وروساز شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۲۴۱۷۶ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۳۹۶۱۳۲

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷.۰۳.۰۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱- سمت اعضای هیئت مدیره به قرار ذیل تعیین گردید: آقای حسین احمدی نیا با شماره ملی ۰۹۱۸۹۷۴۸۳۹ به سمت رئیس هیئت مدیره آقای رضا جاهد به شماره ملی ۰۷۴۹۰۵۰۱۰۱ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل و آقای علی اکبر سیاح هراتی با شماره ملی ۰۷۰۰۲۵۶۹۰۳ به سمت عضو هیئت مدیره برای باقیمانده تصدی هیئت مدیره تا تاریخ ۹۸.۲.۱۰ انتخاب شدند. ۲- کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهد آور بانکی با امضاء واحد و متفرد مدیرعامل (آقای رضا جاهد) به همراه مهر شرکت معتبر خواهد بود. ۹۷۱۰۰۷۲

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۲۵۴۹۷۵)

آگهی تغییرات شرکت شهر تاش خورشید شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۳۶۴۳۰ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۵۱۹۵۷۹۹

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۷.۰۳.۰۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای محمدهلی ابراهیم زاده توکل‌ی به سمت رئیس هیئت مدیره شماره ملی ۰۹۴۱۶۹۶۲۴۳

۲- خانم سارا محمدپرست به سمت نایب رئیس هیئت مدیره به شماره ملی ۰۹۴۵۴۱۲۷۸۹ به محمدمهدی کبریتی کرمانی به سمت مدیرعامل و عضو هیئت مدیره برای مدت دو سال انتخاب شدند و کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک ، سفته ، بروات ، قراردادهای عقود اسلامی با امضاء مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر می باشد. ۹۷۱۰۰۸۷

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۲۵۵۰۶۶)

آگهی تغییرات شرکت تولیدی ذغاله‌های صنعتی خراسان شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۱۵۰۰ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۲۷۲۰۲۱

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷.۰۵.۲۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: - حامد قرقانی با کد ملی ۰۹۰۱۱۳۷۹۰۱ به عنوان رئیس هیئت مدیره و آقای حامد مشیری با کد ملی ۰۴۰۶۵۲۸۵۷۸ به عنوان عضو هیئت مدیره و آقای امیرعلی زاده با کد ملی ۰۹۲۳۴۱۸۸۳۳ به عنوان نایب رئیس هیئت مدیره و آقای رسول قرقانی شماره ملی ۰۹۰۱۱۸۲۵۷۵ - خارج از هیئت مدیره به عنوان مدیر عامل برای مدت ۲ سال تعیین شدند - کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهد آور رسمی و بانکی شرکت با امضاء ثابت آقای حامد قرقانی به عنوان رئیس هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر خواهد بود. ۹۷۱۰۰۶۶

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۲۵۴۹۶۵)

آگهی تغییرات شرکت تولیدی و صنعتی پایوند توس شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۴۰۹۸ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۲۹۷۴۰۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۷.۰۲.۲۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: - موسسه حسابرسی ارقام پویا بعنوان بازرس اصلی و آقای امیرمدرسی سوم باکدملی ۰۹۲۳۸۲۹۲۳۲ بعنوان بازرس علی‌البدل شرکت برای مدت یکسال مالی انتخاب گردید. صورت‌های مالی منتهی به ۱۳۹۶.۰۲.۲۹ مورد تصویب قرار گرفت. ۹۷۱۰۰۸۵

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۲۵۵۰۵۵)

آگهی تغییرات شرکت خدماتی مسافرتی و جهانگردی انوار راه توس شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۲۴۸۰۹ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۰۴۲۴۴۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۷.۰۶.۰۱ و نامه شماره ۹۷۲.۱۲۸.۹۹۷ مورخ ۱۳۹۷.۰۶.۱۱ اداره کل میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری خراسان رضوی و نامه شماره ۹۷۲.۱۹.۷۷۹۸ مورخ ۱۳۹۷.۰۶.۱۱ سازمان حج و زیارت خراسان رضوی و شماره ۳۵۰۵۸ مورخ ۱۳۹۷.۰۶.۱۹ سازمان هواپیمایی کشوری تصمیمات ذیل اتخاذ شد: - اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل انتخاب گردیدند: آقای سید محمد حکیمان به شماره ملی ۰۹۴۵۷۱۷۸۰۶ خانم طاهره فرهادی به شماره ملی ۰۹۲۳۸۷۱۸۱۶ آقای محمدهلی ملک زاده گنابادی به شماره ملی ۰۹۱۹۱۲۸۹۷۱ برای مدت دو سال انتخاب گردیدند. - آقای محمود حسینی به شماره ملی ۰۹۴۱۳۰۸۸۱ به عنوان بازرس اصلی و آقای نوید برزگری به شماره ملی ۰۹۱۸۸۲۵۷۱ به عنوان بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب گردیدند. ۹۷۱۰۰۷۵

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۲۵۵۰۲۵)

آگهی تغییرات شرکت آهن و فولاد شرق شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۲۴۳۹۲ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۳۹۸۲۹۹

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۷.۰۲.۲۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: صورت های مالی منتهی به سال ۹۶.۱۲.۲۹ مورد تصویب مجمع قرار گرفت - موسسه حسابرسی ارقام پویا بعنوان بازرس اصلی و خانم وحیبه احمدیادابی با کدملی ۰۹۲۳۱۲۵۵۶۹ بعنوان بازرس علی‌البدل برای مدت یکسال مالی انتخاب گردیدند. ۴- روزنامه قدس درج آگهی دعوت تعیین گردید. ۹۷۱۰۰۸۱

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۲۵۵۰۵۴)

آگهی تغییرات شرکت آهن و فولاد شرق شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۲۴۳۹۲ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۳۹۸۲۹۹

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۷.۰۲.۲۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: صورت های مالی منتهی به سال ۹۶.۱۲.۲۹ مورد تصویب مجمع قرار گرفت - موسسه حسابرسی ارقام پویا بعنوان بازرس اصلی و خانم وحیبه احمدیادابی با کدملی ۰۹۲۳۱۲۵۵۶۹ بعنوان بازرس علی‌البدل برای مدت یکسال مالی انتخاب گردیدند. ۴- روزنامه قدس درج آگهی دعوت تعیین گردید. ۹۷۱۰۰۸۱

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۲۵۵۰۵۴)

دور دست ها



امیدهای یمن

ایستگاه: «اشواق»

محرّم» پزشک و فعال یمنی، مدتی است که خودش را وقف کمک رسانایی به قربانیان جنگ در یمن کرده است. فعالیت‌های او تنها محدود به حوزه

پزشکی نیست و خارج از موضوع درمان هم دست بسیاری از مردم کشورش را می‌گیرد. گزارشی که «دویچه وله» از این پزشک یمنی منتشر کرده است را می‌خوانید: در یک کلینیک پزشکی، پدری به همراه دختر ضعیفش در انتظار اشواق بود، این پزشک باید به خاطر کارش هم که شده به همه چیز خوشبین باشد اما او سخت دلسرد است. اشواق نام دختر را از او می‌پرسد اما رمفی برای پاسخ وجود ندارد، پدرش می‌گوید: اسمش عایشه است، دخترک در تمام طول معاینه حتی یک کلام بر زبان نمی‌آورد، «اشواق محرم» در تلاش برای نجات جان کودک است اما این سعی منوط بر این است که محموله های کمک‌های دارو به میزان لازم و به موقع وارد کشور شود یا نه!

اشواق راهی بندر الحدیده می‌شود تا ببرد چه کمک‌هایی از سوی سازمان ملل رسیده است، وقتی به محل مورد نظر می‌رسد ناباورانه به کشتی خیره می‌شود و با تعجب می‌پرسد این تمام کمک‌های است که منتظرش بودیم؟

«لا اله الا الله... وی از کارگران بندر می‌پرسد چرا چنین کشتی کوچکی آمده است اما آن‌ها هم بی‌خبرند یا عصبانیت می‌پرسد این کافی نیست ما به دارو و مواد غذایی نیازمندیم با توتینا با گر سنگی و بیماری‌هایی چون وبا و دیفتیری مقابله کنیم، اشواق راهی روستایی در جنوب الحدیده می‌شود، محموله‌های مواد غذایی نیازمندیم با توتینا با گر سنگی و بیماری‌هایی چون وبا و دیفتیری فراتر نمی‌گذارد و چیزی به روستاهای محروم و دور افتاده نمی‌رسد بنابراین اشواق مدام به این روستاها سر می‌زند می‌توان گفت او تنها راه تماس مردم این روستا با دنیای خارج است. بیامدهای جنگ را به وضوح می‌توان میان این مردم حس کرد مادر کودکی می‌گوید قبلا می‌توانستم روزی دوبار به فرزندم شیر بدهم اما اکنون نزدیک به دوام است که چیزی به دستمان نرسیده است. این زن و همسرش برای قدرانی از کمک‌های رایگان درمانی برای فرزندشان از سوی اشواق به او خنده‌هایی می‌دهند این پزشک کمک به انسان‌ها را رسالت خود می‌داند اگر چه خیلی به بهبود وضعیت امیدوار نیست‌وی در پایان به خبرنگار «دویچه وله» می‌گوید اگر نمی‌توانیم بزرگسالان را در این کشور دراییم دستکم از کودکان غافل نشویم و باید بیشتر به آن‌ها رسید. اشواق پس از توزیع شیر خشکی که برای کودکان روستا آورده، هنگامی که از آنجا دور می‌شود ذهنش مشغول است کودکان وضع مناسبی ندارند اما آن‌ها باید زنده بمانند چون تنها امید آینده یمن هستند.

نشریات جهان

ایستگاه / امیر محمد سلطان یور

هرج و مرج فضایی

ماهانمه هالیوود رپورتر در تازه‌ترین شماره خود در گزارشی به شرایط متفاوت این روزهای فوق‌ستاره بسکتبال در صنعت فیلمسازی می‌پردازد. بران جیمز بازیکن تیم بسکتبال لس‌آنجلس لیکرز که خود را به عنوان یکی از بزرگ‌ترین بازیکنان تاریخ این رشته ثابت کرده است، اکنون یکی از بهترین تهیه‌کننده‌های آمریکاست و همچنین فرانسوا است در شماره جدید فیلم انیمیشن مشهور «هرج و مرج فضایی» که ۲۲ سال پیش با حضور دیگر اسطوره بسکتبال یعنی مایکل جردن و شخصیت‌های مشهور کارتونی اکران شده به عنوان بازیگر نقش اصلی به ایفای نقش پیردارد.

قهرمانان علم

ماهانمه پایبولار مکتیکس در تازه‌ترین شماره خود در پرونده‌ای به سراغ بهترین دانشمندان حوزه مغز، اعصاب و روان رفته و با قهرمان علم خواندن آنان، جدیدترین رمز و رازهای مغز انسان را برای خوانندگانش تشریح می‌کند. ویژگی‌هایی که این دانشمندان در مورد آن‌ها صحبت کرده‌اند پیرامون فهم درستی از کارکرد مغز، توانایی درمان آن و تلاش برای قوی‌تر کردن آن است. پایبولار مکتیکس همچنین شیوه صحیح زندگی شهری در سال ۲۰۴۵ را برای خوانندگان‌ش توضیح می‌دهد و همچنین بهترین خانه‌های جن زده و وحشتناک جهان را نیز معرفی کرده است!

«کانتته» دل‌بالا

ماهانمه فرانس فوتبال در تازه‌ترین شماره خود به تمجید از انگولو کانتته ستاره سر به زیر و دوست‌داشتنی تیم ملی این کشور و باشگاه چلسی می‌پردازد. این نشریه با انتخاب تیتو «دل‌بالا» در کنار قابلیت‌های بالای فردی این هافبک دفاعی در میانه زمین، حس نزدیکی و دوستی تقریباً همه بازیکنان هم‌تیمی و رقیب این بازیکن با او را یکی از عوامل اصلی موفقیت فرانسسه در قهرمانی جهان دانسته است. فرانس فوتبال که هرگز کهنه و اهداکننده جایزه معتبر توپ طلا به بهترین بازیکن سال شاغل در لیگ‌های اروپایی نیز هست، اعلام می‌کند که اسمال برای اولین بار جایزه توپ طلای ویژه‌ای برای بهترین بازیکن زن اروپا کنار گذاشته است.

گزارش از شخص

دروغگوی مادر زاد

«طارق عزیز» طراح سیاست‌های حزب بعث عراق را بیشتر بشناسید

ایستگاه / مجید تربت زاده

بگذارید به حساب ساختار شکنی! اینکه در هفته دفاع مقدس، به جای پرداختن به قهرمانانی که بارها از آن‌ها نوشته و گفته‌ایم، سراسر ضد قهرمانی مانند «طارق عزیز» رفته‌ایم، برای این است که بدانید بر و بچه‌های دوران جنگ، با دست‌های اغلب خالی در برابر چه موجوداتی ایستادند و دست‌های کدام جانوران سیاسی آغشته به خون آن‌ها بود. سده‌تر اینکه تنها «صدام» و نظامیان با چاره و بیچاره‌اش نبودند که هشت سال از کار، تلاش داشتند جنگ و مصیبت را روی سر مردم ایران آوار کنند بلکه در میدان سیاست، دور از صغیر گلوله‌ها و غرش توپ و سیاه‌پاره، سیاست‌پیشگانی حضور داشتند که هنرشان به جز آتش افروزی، شعله‌ور و نگه‌داشتن آتش جنگ بود.

قطب کمی خشن بود!

آوریل سال ۱۹۶۶ در روستای مسیحی نشین «تل کیف» از توابع «موصل» به دنیا آمد نامش «میخائیل یوحنا» بود. از جوانی و تحصیلاتش فقط همین را می‌دانیم که تحصیل کرده رشته زبان انگلیسی در دانشگاه بغداد بود، بشدت به اندیشه‌ها و افکار ناسیونالیستی و پان عربیسم دلبنستی داشت، در ۲۱ سالگی چون فکر می‌کرد نام «میخائیل یوحنا» نشانه‌ای از عربیت ندارد و مسلمانان عرب هموطنش کمتر او را به عنوان یکی عرب قبول دارند، نام «طارق عزیز» را برای خودش انتخاب کرد.

پیش از پیوستن به حزب بعث روزنامه‌نگاری می‌کرد و مدتی سردبیر روزنامه‌های «الجماهیر» و «الثوره» هم بود. درباره‌اش نوشته‌اند که پس از تشکیل حزب بعث در عراق به پشتوانه همان روحیه ناسیونالیستی و فعالیت‌های مطبوعاتی‌اش به بنیان‌گذار حزب یعنی «میشال علق» و «صدام» نزدیک شد و به سرعت پله‌های ترقی را در حزب بعث و حکومت طی کرد.

او را «فرزند معنوی علق» می‌دانند که بعدها و در کابینه صدام نیز نماینده «علق» به شمار می‌آمد و افکار و اندیشه‌های او را دنبال می‌کرد. خودش در مصاحبه‌ای که شبکه «العریبه» از او پس از دستگیری‌اش پخش کرد، گفت: «خسستین بار صدام را در سوریه پس از کودتای ۱۹۶۳ ملاقات کردم که در آنجا کنگره قومی حزب بعث برپا شده بود. احساس کردم با همدیگر انسجام فکری داریم، از آن پس همیشه صدام را دوست داشته و او را رهبری روشنفکر و آگاه به مسائل تلقی می‌کردم اما افسوس که مقداری خشن بود!»

جنگ با ایران احمقانه بود

آن‌هایی که دوران جنگ تحمیلی را به یاد ندارند اگر برای شناخت «طارق عزیز»

به سخنان و اعترافات سال‌های پس از دستگیری‌اش مراجعه کنند، ممکن است او را فقط پیرمرد سیاستمداری بدانند که از سر ناچاری در کنار دیکتاتوری مثل صدام ایستاده و به جنگ با ایران هم رضایت داده است. این تصور با خواندن دست‌نوشته‌های سال ۲۰۰۴ او ممکن است پررنگ‌تر هم بشود. «طارق عزیز» ۱۴ سال پیش ضمن فرصت‌طلب خواندن صدام نوشته بود: «...صدام در پارلمان تصمیم به جنگ با ایران را اعلام کرد و نمایندگان فقط با دست زدن او را تشویق کردند... اصلاً رای گیری نشد... این جنگ که هشت سال طول کشید و صدها کشته نظامی و غیر نظامی به جای گذاشت، احمقانه‌ترین تصمیم عراق بود... بدون این جنگ عراق می‌توانست به سوئیس دوم تبدیل شود!» مستندات تاریخی اما نشان می‌دهند وزیر اطلاع رسانی، وزیر خارجه و بعدها معاون صدام حسین، در همه امور سیاسی و تصمیم‌گیری‌های مهم، دست راست دیکتاتور عراق به حساب می‌آمد تا جایی که «وطنبان تک‌ریتی» برادر صدام، او را طراح اصلی سیاست‌های حزب بعث می‌دانست. جدای از دشمنی «طارق عزیز» با ایرانی‌ها و انقلاب اسلامی که ناشی از تفکرات ناسیونالیستی و حزبی‌اش بود ماجرای دانشگاه «مستصر به» و ترور نافرجام «طارق عزیز» را هم می‌شود از بهانه‌های اصلی رژیم بعث عراق برای جنگ با ایران دانست. معاون صدام بلافاصله پس از ترور انگشت اتهام را به سوی ایرانی‌ها گرفته بود و صدام نیز با حضور در دانشگاه سه بار اعلام کرده بود انتقام خواهد گرفت!

سیستماک دروغ می‌گفت

مرور فعالیت‌ها و اقدامات «طارق عزیز» در سال‌هایی که معاون صدام بود، می‌تواند ثابت کند که پیرمرد بیمار و لرزان سال‌های ۲۰۰۳ به بعد، از عوامل اصلی جنگ‌افروزی علیه ایران و ادامه آن بوده است. تلاش‌های تبلیغاتی او برای آماده کردن افکار عمومی در کشورش برای جنگ با ایران، فعالیت‌های دیپلماتیک در محافل بین‌المللی برای توجیه حمله به ایران، دیدار با «رجسوی» در پاریس و دعوت از او برای حضور مناقصین در عراق و... تنها بخشی از پرونده جنایت‌های دست راست صدام به حساب می‌آید.

مهم‌تر از این‌ها لقبی است که رسانه‌های خارجی در دوران جنگ به او داده بودند، «پل ارتباطی با آمریکا» یا «پل تسلیحاتی» عراقی‌ها در دوران هشت ساله جنگ همان «طارق عزیز» بود که مأموریت داشت ضمن ارتباط با آمریکایی‌ها، زمینه تأمین سلاح‌های کشتار جمعی را برای رژیم بعث فراهم کند. «پیتر گال بریت» که در آن سال‌ها عضو کمیته روابط خارجی سنای آمریکا، بعدها در



خاطراتش نوشت: «دولت ریگان رامسفلد را مأمور کرد زمینه‌های همکاری را با صدام از طریق گفت‌وگو با طارق عزیز فراهم کند». اگر هنوز اعترافات روزهای پایانی عمرش و اینکه همه سیاستمداران عراقی را احمق و مقصر و خودش را هیچ‌کاره می‌دانست، فکرتان را مشغول کرده است، می‌توانید سخنان «رولف اکتوس» دیپلمات سوئدی و «چارلز دولفر» معاون کمیسیون ویژه سازمان ملل را که برای جلوگیری از اعدام «طارق عزیز» بسیار تلاش کردند، بخوانید: «با آن حجم از وحشی‌گری‌های صدام حسین، همدلی با طارق عزیز سخت است... او کاملاً به صدام وفادار بود و از صدام در برابر کشورهای غربی نیز دفاع می‌کرد... او دیپلمات بسیار باهوشی بود و اطلاعاتش درباره غرب از همه اطرافیان صدام بیشتر بود... عزیز در فریب دادن دیپلمات‌های سازمان ملل مهارت داشت... طارق عزیز بیه صورت سیستماتیک دروغ می‌گفت. او دیپلمات با استعداد و باهوشی بود؛ ما با بازی می‌کرد و سعی داشت دولت‌ها و هر کس را که در مقابلش بود، سردرگم کند... پشت ظاهر بدهیبتش، او دیپلمات برجسته‌ای بود.»

ماسک دیپلماتیک

ممکن است دیپلمات‌های غربی، طارق عزیز را در جنایتی که صدام علیه ملت عراق انجام داد، بی‌گناه و هیچ‌کاره بدانند اما محال است بتوانند نقش پررنگ او در جنگ علیه ایران را کتمان کنند. آن‌ها مثل رسانه‌های مختلف غربی بارها اعتراف کرده‌اند که «طارق عزیز» در واقع چهره بزرگ کرده رژیم بعثی و با ماسک دیپلماتیک است که حکومت خشن و جنایتکار صدام در مواقع لزوم آن را به چهره می‌زند.

او همان قدر که در میان سیاستمداران عرب به عنوان یک دیپلمات باهوش معروف بود، به خشونت طلبی و جنجال آفرینی دیپلماتیک نیز شهرت داشت. در نشست‌های کشورهای عربی، در مجامع بین‌المللی و در دیدارهای دو یا چند طرفه با هم‌تانیان اغلب با اکتا به قدرت و خشونت رژیم صدام، کار را پیش می‌برد. قواعد بازی سیاسی برای توجیه جاه‌طلبی‌های رژیم بعثی را بخوبی بلد بود. سال اول جنگ در حالی که نیروهای عراقی شهرهای ایران را اشغال کرده بودند او در نشست‌های بین‌المللی درباره پایان جنگ می‌گفت: «این به تصمیم مردم عربستان (خوزستان) که از منابع سرشار نفتی برخوردارند، بستگی دارد... آن‌ها که بیشترشان ریشه عربی دارند باید تصمیم بگیرند به کدام طرف تعلق دارند... سیاست ما برقراری ثبات در منطقه، دخالت نکردن در امور همسایگان و حل مسالمت‌آمیز اختلافات است!» مدتی

این آقا چی گفت؟

سال ۱۹۹۰ پس از آتش بس که دیپلمات‌های ایرانی و عراقی با نظارت دبیر کل سازمان ملل به ژنو رفته بودند تا راهی برای پایان اختلاف‌های دو کشور پیدا کنند، طارق عزیز با جنجال توانست مذاکرات صلح را منحرف کرده و موقتاً آن را به شکست بکشاند.

«ملکی» معاون وقت وزارت خارجه ایران درباره این ماجرا گفته است: «از نکات جالب توجه در این مذاکرات نام رودخانه مرزی ایران و عراق بود. طارق عزیز لفظ شط‌العرب را بر زبان راند و آقای دکتر ولایتی از اروندرود نام برد... طارق عزیز با بی‌احترامی از دبیر کل سازمان ملل پرسید: «این آقا چه کلماتی گفت... دکتر ولایتی هم در جواب گفت که از هزاران سال قبل، این بخش از این رود به نام اروندرود معروف است و دلیل آن هم این شعر فردوسی است در شاهنامه است که «تو اروند را به تازی...» طارق عزیز پرسید این شعر را کی گفته؟ پاسخش ما این بود که فردوسی، بعد گفت اسم کتابش را دوباره بگویید... بعد به دکوتیاز رو کرد و گفت: این‌ها اگر اسم این کتاب را در ایران بر زبان بیاورند، اعدام می‌شوند... فکر کرده بود که شاهنامه به شاه مخلوع مربوط می‌شود... این استنباط او باعث خنده همه شد...»

«ظریف» وزیر خارجه کنونی هم که آن زمان در هیئت ایرانی حضور داشت می‌گوید: «هنوز به اردن بردند و در گورستانی نزدیک شهر «هادبا» دفن کردند.»

زیر آسمان شهر



ایستگاه / امید ظرافتی | پلاستیک را از دست آقای فروشنده می‌گیرم و مشغول دستچین کردن گوجه فرنگی می‌شوم؛ بعد که پلاستیک را می‌گذارم روی وزنه، ترازو دقیقاً عدد یک کیلو و ۲۰۰ گرم را نشان می‌دهد. آقای فروشنده اما می‌گوید: قابل شما را ندارد، ۸۰۰۰ تومان!

چشم‌هایم گرد می‌شود و می‌گویم: بالاام جان اشتباه حساب نکردی؟! ابروهایش را در هم می‌کشد و با قیافه حق به جانب می‌گوید: بساطی داریم با شما مردم! «خب نمی‌خواهی نخرا! چرا می‌زنی تو سر مال، فکر می‌کنی خودم چند خریدم مگر؟»

چند مشتری دیگر در دفاع از من وارد صحنه می‌شوند و به گرانی گوجه فرنگی اعتراض می‌کنند. حق نه با آقای فروشنده است که از غرغر مشتری‌های معترض به گرانی خسته شده و اعصاب خردی‌اش را سر من خالی می‌کند، نه با مردمی که سر فروشنده بیچاره فریاد می‌کشند و قیمت سر به فلک کشیده گوجه فرنگی را می‌اندازند به پای او!

نمی‌دانم تا کی قرار است سیاست سیب زمینی بیزاری مسئولان مربوط کار دستمان بدهد! نمی‌دانم تا چند سال دیگر قرار است دانستان تکراری نایاب شدن یکباره چند محصول کشاورزی تکرار شود؟

اینکه هر سال با نایاب و گران شدن یک محصول یکباره کشاورزان کاشت قبلی شان را رها می‌کنند و می‌روند سراغ کاشت آن محصول و سال آینده همان محصول بازار را اشباع می‌کند و روی دست کشاورزان می‌گردد و در عوض چند محصول دیگر نایاب و گران می‌شود، واقعاً موضوع پیچیده‌ای نیست که بگوییم مسئولان شاید از آن سر در نمی‌آورند! حل کردنش هم نه نیازمند یک برنامه‌ریزی

مجاز آباد

شهرداری و قهرمان‌های غربی!



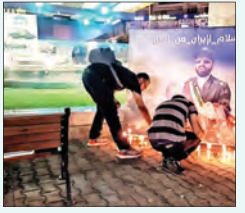
ایستگاه / چند روز پیش و همزمان با آغاز سال تحصیلی جدید، شهرداری تهران به تعدادی از کودکان تهرانی کیسف اهدا کرد. اما این کیسفا که با تصاویر قهرمان کارتون‌های غربی مثل بن‌تن و سوپرمن و... تزئین شده بود حساسی حاشیه ساز شد! کاربران فضای مجازی با انتشار تصاویر این کیسفا‌ها، از شهرداری برای استفاده از طرح‌های غربی انتقاد کردند. یکی از کاربران در این باره در اینستاگرام نوشت: «کیسفا‌های اهدایی شهردار تهران در شروع سال تحصیلی حاوی تصاویری از قهرمان‌های غربی مثل بن‌تن، ماشین‌ها و کلتش او کلتز بود، در حالی که می‌شد از تصاویر شخصیت‌هایی مثل کلاذ فرمزی و فیلیانه استفاده کرد.»

امدادسانی جعلی



ایستگاه / در چند روز اخیر تصویری از «ترامپ» در حالی که به یکی از قربانیان توفان فلورانس کمک می‌کند، به سرعت در شبکه‌های مجازی دست به دست شد. اما «کوین روس» خبرنگار نیویورک تایمز، در توئیتر اعلام کرد که این عکس جعلی و فتوشاپ است! بعد از این، تصویر اصلی در وبسایت شبکه سی‌ان‌ان منتشر شد که نشان می‌داد به جای ترامپ، چند امدادگر در حال کمک‌رسانی به قربانیان توفان هستند! وبسایت راستی‌آزمایی «Snopes» هم بررسی‌های دقیق‌تری روی عکس ترامپ انجام داد و اعلام کرد این عکس جعلی است! زیرا ترامپ در عکس ویرایش شده جلیقه نجات بر تن نکرده است و مهم‌تر اینکه رؤسای جمهوری آمریکا شخصاً در عملیات نجات بلاپای طبیعی شرکت نمی‌کنند!

لبنانی‌های بامعرفت



ایستگاه / چند روز پس از حادثه تروریستی اهواز بسیاری از ملت‌ها در حمایت از شهیدان این حادثه اقداماتی انجام دادند. از جمله آن‌ها مسلمانان روهیتگیایی و مردم لبنان بودند. یکی از کاربران فضای مجازی در این باره در توئیترش نوشته است: «بچه‌های پاره‌هنگام یک مدرسه در کمپ اوارگان روهیتگیایی نام طاهای کودک شهید حادثه تروریستی اهواز را بلند کردند. از فرانسوی‌ها که می‌برایشان شمع روشن کرده‌اند خبری نیست؟» کاربر دیگری هم با انتشار تصاویر شمع روشن کردن شهروندان لبنانی برای همدردی با شهیدان حادثه تروریستی اهواز در اینستاگرامش نوشت: «لبنانی‌های بامعرفت! لبنانی‌ها به یاد شهیدای حمله تروریستی اهواز در میدان شهیدای مقاومت شهر بیروت شمع روشن کردند.»